

نویسنده مقاله : مهدی داریوش ناظم رویا (Mahdi Darius Nazemroaya)

منبع و تاریخ نشر : گلوبال ریسرچ « »

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

مفهوم از توقف پیمان بین افغانستان و ایالات متحده امریکا: تلویحاً آیا معامله ایالات متحده امریکا از کرزی با طالبان نیست

the subtext of the stalled Afghan-US Treaty :will the US
Trade Karzai for the Taliban

سال (2013) تقریباً نزدیک به پایان خودرسیده است و ایالات متحده امریکا تا هنوز موفق به دریافت قرارگاه ویا پادگانی برای ناتو نگردیده است ، حامد «کرزی» ریس جمهور افغانستان موافقتنامه امنیتی دوجا نبه طرح پنتاگون را تا هنوز توشیح نکرده است ، همان موافقتنامه ای را که برای ایالات متحده امریکا و ناتو از اهمیت بسزای در میان بازیگران اصلی در یورواسیا شمرده میشود . از جانب دیگر ایالات متحده امریکا ماه دسمبر سال (2014) را تاریخ و موعد خروج نیروهای نظامی اش از آسیای مرکزی جدا از نا تو تعیین نموده است اما باوجود ادعای ایالات متحده امریکا مبنی بر خروج پرسونل نظامی اش از آسیای مرکزی پنتاگون میخواهد که به تعداد (20000) ویا بیشتر ازین رقم سربازان ایالات متحده امریکا را در افغانستان جابجا ومستقر داشته باشد. و به ایجاد (9) بایگانه نظامی در مناطق بویژه این کشور داخل اقدام گردد و حریم



فضایی و مناطق ستراتیژیک این کشور را برای بسررساندن و انجام عملیاتهای هد فمند خود در آسیای مرکزی مورد استفاده قرار دهد .

برای همه ماهران نظامی هویدا است که افغانستان کشور بیست که از نظر موقعیت جغرافیوی در چهار راهی مهم استراتژیکی جهان قرار دارد ، و ایالات متحده امریکا از زمانه های طولانی همواره به دنبال آن بوده تا درینبخش از جهان سرمایه گذاری نماید ، ایده ویا نظر بیرون کشیدن نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا از قرار گاه ویا از پادگانهای ناتو در افغانستان همواره از سوی پنتاگون بعنوان یک عقبگرد استراتژیکی در آسیای مرکزی مشاهده شده است و بطور هرچه گسترده تر به صفت یک عقبگرد از یوروآسیا صرف نظر از ادعاهای دولت ایالات متحده امریکا قرارگاه های ناتو در افغانستان برای ارتش ایالات متحده امریکا سوالی بوده است ، با این حال گرچه در ماه جولای سال (2013) چنین ادعا شده بود که ریس جمهور اوباما میخواهد نیروهای نظامی کشور خود را بطور کامل از گارنیزیونهای ناتو کشورهای آسیای مرکزی بیرون سازد ولی بقول خبرنگاران نیویارک هر یک مارک مازیت (Mark Mazzetti) و ماتيو روزنبرگ (Mattew Rosenberg) هنگامیکه گزارش شان را در جولای سال (2013) در نیویارک تایم به نشر می سپارید ند یک مقام امریکایی ویا اروپایی که از ذکر هویت خود امتناع ورزید این ادعا را به نظرشک و تردید نگریست و گزارشی را که این دو گزارشگر عرض نشر به نیویارک تایم تهیه دیده بودند ، در خبر منتشر شده چنین توضیح شده بود که واشنگتن میرا از برخی نقاط نظر برخی موضوعات را به میعاد طولانی در موافقتنامه امنیتی با کابل نشانی وجابجا کرده بودند که بر مبنای آن پنتاگون بتواند افغانستان را به عنوان یگ پایگاه عظیم نظامی خود برای مدت های طولانی مورد استفاده قرار دهد .

زبان بازی و کنا یه گویی بین ایالات متحده امریکا و دست نشانده امریکا اقای حامد «کرزی» ریس جمهور افغانستان هنگامی رد و بدل شد آنچه که در مجموع مذاکرات طرح شده توسط ایالات متحده امریکا در کابل که با جانب «کرزی» آغاز شده بود بعدها از بسی نقاط نظر بینهم تفاوتهای چندی بچشم میخورد و از جانبی واشنگتن مذاکرات را با طالبان دور از نظر دست نشانده اش برای آنکه او از موضوع آگاه نشود بصورت پنهانی آغاز کرده بود و در نهایت امر دولت اوباما ترس داشت موضوع مذاکرات اش با طالبان فاش نگردد و در پرتو آن حامد کرزی دست به اعتراض نزنند و دولت اوباما را مجبور نگرداند که تمام قوت های خود را از کشور بیرون سازد و دست نشانده اش را در کابل به دفاع از خود و گروه های مخالف دیگر در قرارگاه های ناتو بسیج نسازد

در مورد توشیح این سند توافقنامه حتی جان کیری وزیر امور خارجه دولت ایالات

متحدہ امریکا در ماه اکتوبر سال (2013) شخصاً بشکل سری به کابل سفر کرد و از حامد کرزی خواست تا این سند امنیتی را توشیح نماید ولی کرزی از توشیح سند مذکور ابا ورزید و سپس در ماه نومبر سال (2013) سوسان رایس مشاور امنیت ملی دولت ایالات متحدہ امریکا به کابل سفر نمود و در ملاقاتی که با حامد کرزی نمود به «کرزی» حین ملاقات طور اخطار آمیز گوشزد نمود که در صورت عدم توشیح این سند و یاد صورت به تعویق انداختن آن شما خود بعد از سال (2014) در جنگ با طالبان مواجهه خواهید شد .

ایا در حمایت و اشنگتن از طالبان فیضی نهفته است ؟ مذاکرات ایالات متحدہ امریکا با طالبان در قدم نخست میتواند تهدیدی بر منافع چین ، هند ، ایران و روسیہ تلقی شود ، آن طالبانی قدیم و پیشین که ہمہ رقبای ایالات متحدہ امریکارا در بیرون از افغانستان برای و اشنگتن تحت حمایت شان قرار میدادند ، از جایی چنین پنداشته شده است که این مذاکرات با این طالبان قدیمی میتواند به قیمت به گرو گذاشتن افغان توسط خود و اشنگتن باشد ، از سوی دیگر قابل یاد آوری است و آن اینکه از مدت ها قبل به سبیل تمسخر و استهزا حامد «کرزی» رابه نسبت عدم تسلط اش در بیرون از پایتخت افغانستان به صفت «شاروال کابل» می نامیدند که او مذاکرات امریکارا با طالبان عمیقاً برای دولت خود مضر و مدہش دانسته اداره مفسد او از امریکا مبنی بر شناسایی دولت طالبان تحت نام امارت اسلامی افغانستان اعتراض و نگرانی اش را ابراز کرد ، امارت اسلامی افغانستان که طالبان پیشین و تروریست این نام را برای دولت خود برگزیده بودند و از طرف امریکایی ها پیشتیبانی می شدند و در آن زمان این دولت از طریق دیپلوماتیک توسط عربستان سعودی ، پاکستان و امارت عربی به رسمیت شناخته شده بود و دفتر نمایندگی شان واقع در شهر «دوحہ» وظایف و ماموریت های نظیر یک سفارت را اجر می نمود که این وضعیت و حالت خود به جوانه زنی و یا رویش یک دولت موازی به افغانستان تلقی شده میتواندست .

قابل یاد آوری است و آن اینکه طالبان سال (2013) از طالبان سال (2001) بمراتب از ہم متفاوت و متمایز می باشند ، و بادر نظر داشت همین دلیل اکنون مقامات بلند بالای امریکایی از زمان تجاوز بالای دولت طالبان و پاکسازی افغانستان از وجود آنها توسط جورج و اتر بوش و تونی بیلیر کاملاً دگرگون شده و چنین به نظر میرسد که ایالات متحدہ امریکا و متحد اش نا تو آماده آن اند که لباس های جنگی شان را در افغانستان در جنگ علیه طالبان از تن شان بدور اندازند . طالبان سال (2013) افغانستان را با داشتن احساس بویژه شان میتوان به صفت گرو ه های ناراض مسلح مخالف امریکا و نیرو های بیرونی دانست که از دولت موجود افغانستان حمایت بعمل می آورند و این نیرو هارا در خاک شان می بینند که در تبنانی با دولتمردان افغانستان یکجا برای تامین منافع شان اعمال خا ینا نه و وقیع را انجام میدهند ، این وجهه مسمی همان نام تجاری از جغرافیایی سیاسی تغیر

وسرنوشت رژیم به نفع ایالات متحده امریکا است که جماعت ویا گروه ال-نصر در سوریه ولبنان وابسته به القاعده از هنگام آغاز به اصطلاح بهار عربی در خدمت امریکا قرار گرفت ویا امریکا از آنها حمایت نمود .

سعودی که نمایش قطر را تصاحب نمود؟ دفتر ویا نمایندگی طالبان در قطر بمنظور مذاکره با دولت ایالات متحده امریکا در «دوحه» واقع در قطر گشایش یافت همانطوریکه قبلاً درین مورد اشاره نموده بودیم این دفتر یا نمایندگی همچو به عنوان یک سفارت وظایف ومأموریت های مربوط به دولت امارت اسلامی افغانستان مربوط به طالبان را به پیش می برد کرزی گشایش این نمایندگی را مورد انتقاد قرار داده بارها بارها اعتراض خود را علیه گشایش این نمایندگی ابراز نمود تا آنکه خود طالبان این دفتر را در ماه جولای سال (2013) مسدود نمودند و حکومت قطر نسبت اینکه در پرچم برنگ سفید طالبان نشان و علامت پرچم رسمی افغانستان به نظر نمیخورد از طالبان تقاضا به عمل آورد که این نمایندگی را رسماً ببندند. انسداد دفتر طالبان در قطر چنانسی بود که از یکطرف اعتراضات کرزی را مرفوع نمود واز جانب دیگر زمینه مذاکرات دوامدار مخفی را بین دولت ایالات متحده امریکا و طالبان مساعد ومیسر ساخت .

امارت قطر همه جانبه تلاش بخرچ داد تا مثل برادر اخوان عمل نماید، ودرعین زمان چنین پنداشته میشد که «دوحه» موقعیت خوب ومناسبی بوده که از هرجهت میتواند از برادران طالب حمایت همه جانبه بعمل آورد ، واین خود احتمالاً میتواند تلاش جبران پذیر برای سرومایه گذاری ازدست رفته قطر در پروژه ای رو به کاهش منطقوی اخوانالمسلمین ویا در یک بخشی طولانی از همان طرح مشا به باشد ، با در نظر داشت این مورد رژیم (ال-تانی) قطر بیدون تایید وموافقیت ایالات متحده امریکا هرگز جرات آنرا نداشت که از طالبان افغانی میزبانی نماید ، درنهایت امر حمایت قطر در هر دو بخش چه در ارتباط حمایت از اخوان المسلمین چه در حمایت از برنامه های آنها برای طالبان همه وهمه بخاطر خوش خدمتی به واشنگتن بوده که این وظیفه میزبانی را واشنگتن بدوش قطری ها گذاشته بود .

نقش منطقوی قطر بعد از حمایت عربستان سعودی از کودتای نظامی در مصر وسرنوشتی ریس جمهور «مرسی» وشکست پروژه ءتغیر رژیم در سوریه کاهش یافت ، قطر همچنان توسط سعودی ها در سوریه به کنار کشا نیده شد ، شهزاده «بندار» در سرنوشتی دولت سوریه نیز تلاش همه جانبه نمود، وازجانبی اکنون چنین به نظرمی آید که عربستان سعودی میخواهد رهبری طالبان افغانی را بدست داشته باشد چنانچه در بحث ومذاکره ایکه درین اواخر بین مقامات ذیصلاح افغانی وپاکستانی صورت گرفته آن مقامات طی یک اعلامیه مشترک توافق نموده اند که برای طالبان در ترکیه ویا در

عربستان سعودی دفتر ویا نمایندگی باز نمایند ، کرزی پیوسته در تلاش است اگر بتواند طالبان را وادار سازد تا آنها در کابل برای شان دفتر باز نمایند و به جاسوسان و خبرچینان خود بویژه در کشور همسایه اش پاکستان به آنها یک تون نظارت را بالای طالبان دارند وظیفه سپرده تا از دست آوردهای مذاکرات مخفیانه ای که بین طالبان و ایالات متحده امریکا در جریان است اورا باخبر سازند .

اقدام هما نند مصر در افغانستان : آیا ایالات متحده امریکا در نظر

دارد که کرزی را سرنگون و طالبان را جاگزین او سازد با وجودیکه اگر او دستمزد و حقوق اش را از سازمان سیا (CIA) ایالات متحده امریکا دریافت هم بنماید ؟ جواب مطلقاً درست است فقط آنچه که در جولای سال (2013) در مصر رخ داد و به همه کاملاً روشن شد و از همین جهت ویا بادر نظر داشت همین رویداد است که کرزی خشمگین و اعتمادش را از ایالات متحده امریکا از دست داده است. دولت او با ما به ارتباط دولت نو تشکیل اخوان المسلمین در مصر همان دولتی که واشنگتن در حفظ و نگهداری اش تلاش میورزید مرتکب خیانتی شد و از حمایت آن دولت دست کشید چنانچه نظامیان مصر قبل از آنکه علیه (مرسی) اقدام به کودتا نمایند با واشنگتن به مشوره پرداختند و واشنگتن در حین مشوره به آنها اشاره چراغ سبز داد که نظامیان مصر در پرتو همین چراغ سبز تانک های شان را در خیابانها مصر جا بجا نموده دست به کودتای نظامی زدند و دولت مرسی را سرنگون ساختند، در اینجا نقطه ای مهمی را که باید بخاطر داشت اینست که در مورد حوادث مصر البته که بعضی تفاوتها و رمزهای ظریفانه ای وجود داشت و آن اینکه چرا او با ما از حمایت «مرسی» دست کشید و اورا بحال خودش گذاشت تا سرنگون گردد ، حرفی دیگری که در اینجا در ذهن گرنگی می کند اینست که خیانت و سرمایه گذاری ای که در از بین بردن حکومت (مرسی) صورت گرفته تا هنوز پوشیده بوده و منبع اجر کننده و هدایت دهنده تا هنوز از اقدام فوق انکار مینماید. ولی او با ما خود همه بخش های زیربط حوادث مصر را اعم از ارتش ، اخوان المسلمین مصر و بخشهای مختلف دیگر دولت و نقشه تمام مخالفین بین همدیگر را همه جانبه تحلیل نموده و بعدا نقش خویش را بازی نموده است همان چیزیکه ممکن میتواند در قرارگاههای نا تو در افغانستان اتفاق بیافتد ، پس در اینصورت جای تعجب نیست که «کرزی» و همراهان مفسد کابلی اش در مورد مذاکرات مخفی بین ایالات متحده امریکا و طالبان محتاط و مواظب نباشند .

رهبران نظامی مصر اکنون میخواهند در روابط خود با ایالات متحده امریکا تنوع را در نظر داشته باشند یعنی دقیقاً میخواهند به بازی ستراتیژک ایالات متحده امریکا در کشورشان متوجه شوند که امریکا چگونه در بین جناحها درگیر در داخل مصر نقش بازی میکند و به همین دلیل اکنون نظامیان مصر برآن شده اند که قاهره دیگر نمیتواند

دروابستگی دایمی با ایالات متحده امریکا قرار داشته باشد و از جانب دیگر تمام متحدان و مشتریان امریکا را عقیده بر آن شده است که نظام امپریالیستی ایالات متحده امریکا بصورت گسترده در شرق میانه اعتبار خود را از دست داده و در حال غرق شدن می باشد که این خود میتواند دلیلی باشد که چرا مشتریان و دست نشانده های ایالات متحده امریکا در شرق میانه دفعتهاً شجاع شده اند و علیه واشنگتن به جرأت حرف میزنند .

بدر نظر داشت تذکرات فوق که وکیها میتوانند مقاماتی را در کابل مذمت نمایند که دولت ایالات متحده امریکا در عقب در های بسته بشکل ماکیا ولیستی دخیل در موضوع ویا آقای اوباما در مخالفت به مقامات کابل با طالبان در زد و بند نباشد، به عباره طعنه آمیز میتوان چنین اندیشید که میشود طالبان خود را متحد امریکا بدانند بویژه که دولت ایالات متحده امریکا آنها را قبل از رویداد حمله تروریستی (9/11) از نظر مالی ولوژستیکی همه جانبه کمک می نمود ، ازین رو است که کرزی میخواهد خود مستقماً با طالبان به مذاکره بپردازد ولی واکنش دولت ایالات متحده امریکا در مورد چنین است که آن دولت نمیخواهد که کرزی با طالبان مستقیماً به مذاکره بپردازد ، حامد کرزی در جولای (2013) بخاطر نیل به هدف مطروحه اش خواست تا دور مذاکرات امنیتی بین اداره اوباما و افغانستان را به حال تعلیق در آورد و از سوی دیگر رییس جمهور آقای کرزی طی یک اعلامیه یاد اور شد که دولت افغانستان در راستای تامین امنیت خود خودش باید به تدریج قدم های ثابت و استوار بجلو بردارد ، کرزی در عین زمان اضافه نمود که اوبعداً در صورتیکه در موضوع منازعه فیه بعد از انتخابات ریاست جمهوری ماه اپریل سال (2014) تجدید نظر صورت گیرد او ویا رییس جمهور منتخب آینده این سند امنیتی را توشیح خواهد نمود ولی ایالات متحده امریکا در واکنش بی صبرانه اش تاکید میورزد که در صورت عدم توشیح این سند تا قبل از فرا رسیدن زمان انتخابات ریاست جمهوری میخواهد تمام نیروهای نظامی خود را از افغانستان فراخواند و تمام کمک های مالی ولوژیستیکی اش به اردو افغانستان را قطع نماید و به این ترتیب میخواهد نیروهای نظامی نوپای کرزی را اجباراً و عمداً در برابر طالبان قرار دهد و به همین دلیل بود که سوزان رییس مشاور امنیتی ایالات متحده امریکا طی سفرش بکابل در ملاقات به آقای کرزی ، کرزی را بشکل تهدید آمیز به توشیح عاجل این سند امنیتی دعوت نمود .

در اینجا به این روایت یک بعد دیگر اضافه بچشم میخورد و آن اینکه امریکا خود قبلاً متعهد گردیده بود که اردو افغانستان و نیروهای امنیتی آن کشور را از نظر مالی و تخنیکی و تریننگ کمک همه جانبه نماید ولی دولت امریکا خلاف تعهدات قبلی اش در این راستا همه وقته قدم های متردد و متناقض برداشته و به تعهدات خود وفا نکرده است چنانچه در یک اقدام بی سابقه اش بعوض اینک تجهیزات نظامی کهنه پنتاگون

را ب‌غرض تقویه اردو افغانستان در اختیار نیروهای وقوت‌های نظامی افغانستان قرار دهد در حضور د‌اشت نظامیان قرار گاهای ناتو در افغانستان تجهیزات نظامی اش را به ارزش بیش از (7) بلیون دالر از بین برد و این اقدام را در مخالفت آنچه که قبلاً تعهد نموده بود انجام داد.

افغانستان به صفت پایگاه پنتاگون در جنگ علیه اور‌و‌آسیا :

بخاطر آنکه ایالات مت‌حده امریکا توانسته باشد چین ، روسیه و ایران را از سرکشی و گردنکشی باز داشته باشد ، پس در این‌صورت به افغانستان نیاز مبرم دارد ، تهدید او‌باما مبنی بر خروج نیروهای نظامی اش از بارک‌ها و گارنیزیون‌های ناتو در افغانستان جز بخشی از آن شان‌تاز و ارباب مقامات کابل چیزی دیگری نمیتواند باشد ، پنتاگون می‌خواهد تا زیر ساخت‌های خود را در آسیای مرکزی هرچه بیشتر تقویه نماید ، که در این‌صورت افغانستان یگانه وسیله و تخته‌ای خیز برای ورود ایالات مت‌حده امریکا و ناتو به قزاقستان ، ازبکستان ، قرغزستان ، تاجکستان ، ترکمنستان و دریای خزر می‌باشد . و از جانبی افغانستان هم چنان دروازه ورهروی به شیبه‌قاره هند نیز می‌باشد دروازه‌ایکه در طول تاریخ فاتحان و لشکر کشایان جهان از روی بدست آوردن این معبر را داشتند ، پنتاگون هرگز موقعیت پایگاه‌های نظامی خود را در چنین موقعیت مهم جغرافیایی ستراتیژیک که بتواند ایران ، چین ، پاکستان و حریم پس از شوروی هم مرز را حلقه‌زند مشاهده نکرده بود و یاهمچو چانس طلایی را بدست نیآورده بود علاوه بر آن آنچه که پنتاگون می‌خواهد تا پرسونل نظامی اش را در افغانستان کاهش بدهد منظور آنست که پنتاگون می‌خواهد تا بمنظور صرفه‌جویی در بودجه اختصاص داده شده‌ای نظامی اش برای افغانستان کاهش بوجود آورد ، و این خالیگاه یا کاستی نیروهای نظامی اش را با گردان‌های پیمانکار امنیتی جبران نماید و یا به اصطلاح عساکر و جنگجویان مزدور و اجیر را به معاش ماهوار حد اقل استخدام نماید تا بتواند با استفاده از ارتش مزدور و خصوصی تعهدات قانونی و بدهی‌های بین‌المللی خود را بجا آورد.

واشنگتن می‌خواهد بیدون آنکه در جنگ با طالبان درگیر شود در افغانستان باقی بماند و این در واقعیت امر هدف اصلی و اساسی ایالات مت‌حده امریکا می‌باشد که با در نظر داشت همین هدف است که او‌باما بشکل مخفی با طالبان مذاکره می‌نماید تا اگر بتواند در مورد خویش به توافق صلح با طالبان دست یابد ، او‌باما همچنان بخاطر زدودن ترس و ارباب‌کرزی می‌خواهد و یا در تلاش آن است تا اداره او با مقامات دولت افغانستان پیمان امنیتی دوجانبه را هرچه زودتر به امضا رساند .

کرزی به ارتباط پلان و هدف ایالات مت‌حده امریکا مشکوک و یا بهتر است گفته شود که کاملاً مشعر است که اگر ایالات مت‌حده امریکا با طالبان توافقنامه صلح را به امضا

رساند سقوط وانقراض اداره ای کرزی کاملاً قطعی و مشهود است پس همین است که مقامات رسمی افغانستان و در راس آن کرزی در توشیح و امضای این توافقنامه امنیتی دوجانبه تعلل می نمایند ، و با در نظر داشت همین دلیل است که او با کرزی را با خروج تمام نظامیان اش از افغانستان و قطع کمک ها به ارتش افغانستان تهدید می نماید و با باور دولت امریکا در صورت خروج نظامیان آن کشور از افغانستان ، ادره ای کرزی در محاصره طالبان قرار خواهد گرفت و یک جنگی دیگری بخاطر احراز قدرت در افغانستان شعله ور خواهد شد .

با وجود این همه چیزها باز هم بین حامد کرزی و دولت ایالات متحده امریکا این بازی کدام بازی جدید نیست و اشنگتن و حامد کرزی با لمقابل یک بر دیگر تا زمانی فشار وارد می نمایند تا آ نزمانیکه بینهم تفاوت های نظری وجود داشته باشد مقامات ایالات متحده امریکا در سال (2009) بالای حامد کرزی در زمان انتخابات افغانستان آنوقتیکه در دولت افغانستان پیکر بند یهای سیاسی وجود داشت فشار وارد نمود از سوی دیگر احمد ولی «کرزی» برادر حامد «کرزی» هنگامیکه در معرض تیراندازی بعنوان یکی از عوامل سیاه و فروشنده ای مواد مخدره توسط موظفین مربوط دولت ایالات متحده قرار گرفت ، و اکنش حامد کرزی درینمورد دریک صحبت بالمثل توسط جنرال خدایاد وزیر مبارزه با مواد مخدره افغانستان در ایرنا (IRNA) چنین افاده گردید :

اوگفت که ذخیره مواد مخدره افغانستان در دو ولایت افغانستان در تحت کنترول سربازان ایالات متحده امریکا ، بریتانیا و کانادا میباشد که نیروهای نا تو به اخذا تکتا نه در تجارت مواد مخدره بین المللی شریک جرم میباشند .

ستراتیژی ایالات متحده امریکا در گارنیزیون های نا تو در افغانستان به دنبال ضربه زدن و خورد و خمیر کردن جناحهای مختلف باهم وزن و باهم معادل افغانی بین یکدیگر شان میباشد یا به عباره دیگر امریکا میخواهد که جناح های افغانی از نظر نیرو و باهم معادل را بین خود شان به جنگ و ستیز بکشاند و با جناح طرف دیگر به معامله بپردازد تا به این وسیله بتواند در کشور نفوذ دایمی خود را داشته باشد روی این دلیل در اینجا هیچ شک و شبهه به گمان اینکه و اشنگتن در عقب آنهایی که میخواهد دروندصلح افغانستان دست داشته باشند مورد پیگرد و تعقیب ایالات متحده امریکا نباشند چنانچه درین زمینه دولت روسیه در ماه جون سال (2013) هشدار داده بود که مذاکرات صلح نیاز مبرم به گفتگو و مشاورت مستقیم مقامات بینالافغانی یعنی بین اداره کرزی و طالبان افغانی دارد ولی و اشنگتن در این رابطه ملاقات اداره کرزی را با طالبان که به رهبری معین وزارت خارجه اداره کرزی در تهران صورت میگرفت پرحذر داشته و آنرا خالی از اعتماد و اعتبار پنداشت .

باتقدیم احترامات

